

پنهان کاری خرابکاری امنیتی باخون



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

تا قبل از ۷ صبح ۷ اکتبر ۲۰۲۳ هیچ کس تصور نمی کرد شرایط برای ساکنان سرزمین های اشغالی آفت‌زد پیچیده شود که مقاماتش مجبور شوند نقاب انسان دوستی صهیونیست ها را کنار بگذارند و بی توجه به فضای افکار عمومی، محاصره غزه را تنگ تر کنند، آب و برق ساکنان نوار غزه را قطع کنند و دست به بمباران مناطق مسکونی نوار غزه بزنند. در این بین تلاش صهیونیست ها برای مظلوم نشان دادن خود در این عملیات با شکست مواجه شد و افکار عمومی دنیا را چندان تحت تاثیر قرار نداد چراکه مقامات صهیونیستی نتوانستند خشم خود را از این حمله غافلگیرانه پنهان کنند و مشخصا در قبال پاسخ خبرنگاران درباره وضعیت ساکنان نوار غزه آن را باهمیت و بمباران مناطق را حق خود دانستند. همین موضوع نیز باعث شد مقامات رسمی کشورهای مختلف در کنار مردم جهان نسبت به حملات صهیونیست ها به نوار غزه واکنش نشان بدهند و این یعنی تا اینجای ماجرا صهیونیست ها در جنگ رسانه‌ای و افکارعمومی دنیا بازنده‌اند. یکی از مهم ترین عواقب عملیات طوفان الاقصی شکست مذاکرات عادی سازی روابط عربستان به صهیونیست ها بود که قرار بود معادلات منطقه را به نفع آنها تغییر دهد. محاسباتی که به فاصله یک هفته از آغاز عملیات طوفان الاقصی به هم ریخت و حالا صهیونیست ها برای ایجاد ثبات و امنیت در سرزمین های اشغالی به تکاپو افتاده‌اند. حالاما به نظر می رسد آنها برای پاسخ دادن به این حملات نیز دچار سردرگمی هستند و از عواقب هرگونه اقدام خود در نوار غزه هراس دارند. بر همین مبنا بود که علی رغم اعلام آغاز حمله زمینی توسط صهیونیست ها تا لحظه تنظیم این گزارش حملاتی از جانب آنها آغاز نشده است. به نظر می رسد با گذشت روزهای بیشتری از آغاز عملیات طوفان الاقصی شرایط برای صهیونیست ها پیچیده تر خواهد شد. برای بررسی این موضوع که آینده این جنگ و عواقب آن برای صهیونیست ها و فلسطینی ها چه خواهد بود با بردیا عطاران، کارشناس خاورمیانه گفت وگو کردیم که در ادامه می خوانید.

از آغاز عملیات طوفان الاقصی رسانه های فارسی زبان سعی کردند حماس را به عنوان مقصر و عامل جنگ معرفی کنند و اسرائیل اقداماتش را طوری نشان دهند که دارد از خودش دفاع مشروع می کند، به نظر شما چقدر در این امر توانستند موفق بشوند؟ این جو چقدر در رسانه های دنیا غالب شد؟
به قدری مساله فلسطین در منطقه غرب آسیا، کشورهای عربی و جمهوری اسلامی پس از انقلاب و حتی قبل از انقلاب مساله عمیقی بوده است که واکنش های های ضد فلسطینی اخیر خیلی جدید محسوب می شود. در ۲۰۱۵ سال اخیر برخی فعالیت های رسانه‌ای را می بینیم که در کشور ما ضدمساله فلسطین بیان شده است. به خاطر وجود سابقه و بدنه اصلی جامعه که با آرمان فلسطین همدل هستند، این فعالیت ها با اینکه جای نگرانی دارد اما قابل ملاحظه نیست. در ماجرای طوفان الاقصی اتفاقی افتاد که باعث شد این مساله بیشتر به چشم بیاید و آن هم این بود که حماس و گروه های مقاومت فلسطینی عامل حمله بودند و صرفا موضع پاسخگویی نداشتند. این کار باعث شد تعداد کشته های رژیم صهیونیستی افزایش پیدا کرده و نیروهای مقاومت از آنها اسیر بگیرند. تمام این موارد زمینه را برای جریان های موجود که ضد آرمان فلسطین کار می کردند که برخی شان هم از طرف کشورهای خارجی شارژ می شوند فراهم آورد و باعث شد فعالیت شان این دفعه بیشتر به چشم بیاید. با این حال حجم جنایات صهیونیست ها و میزان بمباران و کشته ها و آوارگان ناشی از آن در ده روزی که از آغاز درگیری ها می گذرد باعث شد این فضا تداوم پیدا نکند.

شاهد حملات شدید اسرائیل به غزه هستیم. حماس طبعاً نسبت به تبعات این حملات و کشته و زخمی شدن مردم ساکن غزه آگاهی داشته پس چرا آن را آغاز کرده است؟
درخصوص اینکه مقاومت چرا حمله کرد باید گفت گروه های مقاومت فلسطین و در نگاه کلان تر تمام گروه های مقاومت حاضر در منطقه متوجه نظمی که در منطقه ما درحال بازسازی است، شده‌اند. آمریکایی ها و اروپایی ها یک نظمی از منطقه را مطلوب خود می دانند که اسرائیل محور آن نظم خواهد بود و بعد برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس محور این نظم هستند. این اتفاق و تصویری که آنها تداعی کرده‌اند اگر با یک برخورد مواجه نمی شد، طبعاً سناریویی که چیده بودند گام به گام اجرایی می شد. اما اتفاقاتی در منطقه افتاد که گروه های مقاومت این اقدام را سریع تر انجام داده و ما شاهد واکنش شدیدتری بودیم. عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی، اتصال اقتصادی سیاسی کشورهای جنوب خلیج فارس با اسرائیل و شکل گیری مقدمات پذیرش ذهنی موجودیت اسرائیل باعث شد تا گروه های مقاومت با یک اقدام فوق العاده عمیق خواستند این مساله را به تمام جهانیان اثبات کنند که هنوز گروهی در فلسطین فعالیت می کنند که هم مخالف این اتفاقاتند و هم بسیار قدرتمندند. فلسطینی ها با این اقدامات تلاش داشتند تا با ضربه زدن به این تصویر که اسرائیل غریب قابل مهار است این پیام را به تمام مردم بدهند که قدرت کنترل رژیم صهیونیستی را دارند. این پیام هم به سمت آمریکا و اروپا و هم به سمت کشورهای عربی بود. طبعاً این پیام به کشورهای مقاومت هم داده شد که اگر به گروه های مقاومت فلسطینی اعتماد شود می توانند موفقیت های بزرگی را کسب بکنند. بنابراین می توان گفت که گروه های مقاومت با علم به اینکه حملاتی به آنها خواهد شد تا حتماً از آغاز کردند اما به هر حال آنها چاره‌ای جز این اقدام نداشتند. اگر مثل الان در نقطه کنشگری فعال باشند نه در نقطه منفعل، طبعاً حملاتی که به آنها می شود خیلی کمتر از میزانی است که صرفاً واکنش دهنده باشند.

استراتژی صهیونیست ها برای مقابله با حملات حماس چیست با توجه به اینکه این موضوع مطرح بود که اسرائیل حمله زمینی را آغاز خواهد کرد اما این اتفاق نیفتاد. می شود گفت صهیونیست ها دچار نوعی سردرگمی هستند و برنامه ریزی دقیقی در این رابطه ندارند؟
با توجه به نوع حمله صهیونیست ها من این گونه متوجه می شوم که

رژیم صهیونیستی بی شک غافلگیر شده و ضربه محکمی خورده است. آنها نمی خواهند صرفا برای تخلیه خشم با عجله عمل کرده و ضربات مجدد دیگری را متحمل شوند به همین دلیل صهیونیست ها تا امروز سعی کرده‌اند با حداکثر احتیاط عمل کرده و صرفاً مسیر حملات هوایی را در پیش بگیرند تا آسیب نبینند. اتفاقی که برای رژیم صهیونیستی افتاده این است که تصویر مشرف بودن آنها بر اوضاع منطقه از بین رفته و آنها نیازمند ساختن تصویر جدیدی از خودشان هستند. آن تصویر هم صرفاً با حمله زمینی محقق می شود. تا به امروز به دلایلی همچون تهدید گروه های مقاومت و تهدید خود جمهوری اسلامی ایران صهیونیست ها تا امروز حمله زمینی نکرده‌اند و بهانه هایی همچون فشار جهانی و شرایط نامساعد جوی را مطرح کرده‌اند. ما امیدواریم که این اتفاق در ادامه هم نیفتد اما احتمال درگیری زمینی نیروهای اسرائیلی در غزه وجود دارد و این احتمال کم نیست. صهیونیست ها اگر تا به امروز حمله نکرده‌اند دلایلش این بوده که حداکثر احتیاط را برای آسیب نندیدن لحاظ کرده باشند تا در باتلاقی که به خاطر غفلت اولیه به وجود آمده بیش از این گیر نکنند.

به نظر می رسد اسرائیل همزمان با جنگ نظامی در یک تقابل رسانه‌ای با مردم فلسطین قرار دارد. اسرائیل و فلسطین هر کدام چقدر توانستند در این جنگ موفق عمل کنند؟

درگیری و بازی رسانه‌ای در هر جنگی مهم است. اما به نظرم مهم ترین اتفاقی که در این جنگ قرار بود بیفتد جنگ تصویر بود. یعنی تمام تمرکز گروه های مقاومت قبل از ضربه زدن به تاسیسات اسرائیلی ها و اسیر گرفتن و تلفات گرفتن از آنها بر این مبنا بوده که تصویر و ذهنیت شکست ناپذیری ارتش رژیم صهیونیستی و شکست ناپذیر بودن اسرائیل را از بین ببرند و این اتفاق افتاد، این همان تعبیری است که رهبری به کار بردند.

عملیات طوفان الاقصی چه شکست هایی برای اسرائیل در عرصه رسانه و افکار عمومی جهان به همراه داشته است، با توجه به اینکه صهیونیست ها سعی می کردند به نوعی جنایات شان را سفیدشوی می کنند می توانیم بگوییم این درگیری باعث شکست این تلاش ها شد؟

صهیونیست ها در برابر حملات حماس سعی خود را به کار گرفتند تا استراتژی مظلوم نمایی را به کار ببرند. به همین دلیل نیز برخلاف جنگ های گذشته لحظه به لحظه از کشته شدگان خود خبر می دادند و تلاش داشتند تا با افکار عمومی بازی کنند به همین دلیل نیز خبر جعلی سر بریدن کودکان را منتشر کردند. البته ما در طرف صهیونیستی سردرگمی را نیز شاهدیم اما به هر حال آنها تلاش داشتند تا با موضع گیری های خود پای طرف های دیگری همچون آمریکا را نیز به دعوا بکشانند. به همین دلیل نیز کلیدواژه ۱۱ سپتامبر را استفاده کردند که با موضع گیری رهبران کشورهای منطقه این سناریو کاملاً خنثی شد. از طرف دیگر نیروهای مقاومت نیز با انتشار تصاویری از قبل این پیام را می دادند که این کار در مقابل چشم صهیونیست ها تمرین شده و تصاویرش منتشر شده است. آنها به این طریق سعی کردند قدرت نمایی داشته باشند. آزادسازی یک مادر به همراه دو فرزندش در تلطیف افکار عمومی موثر بود و باعث شد سازماندهی بزرگی در کشورهای مختلف جهان برای تجمع و تظاهرات حمایتی از مردم فلسطین شکل بگیرد تا این فاجعه به نهادهای بین المللی گوشزد شود. با اینکه این جنگ یک طرفه است و نفرات و تجهیزات اسرائیلی ها بسیار بیشتر است اما به دلیل غافلگیری اولیه وزنه رسانه‌ای به سمت گروه های مقاومت سنگینی می کنند.

درگیری های فعلی تا چه زمانی فرات است ادامه پیدا کند؟ صهیونیست ها موج درگیری را تشدید می کنند یا نهایتاً ترس از گسترش جبهه های نبرد آنها را وادار می کند به درگیری پایان دهند؟ همچنین باید به این موضوع پرداخت که آینده پس از جنگ چگونه است؟ فلسطینی ها با اسرایی که گرفتند چه امتیازهایی را می خواهند نقد کنند؟

یک مورد خیلی مهم که درخصوص نبرد زمینی احتمالاً محل بحث خواهد بود میادله اسراییلی است که غزه گرفته است. اسرائیلی ها تا به امروز چندین بار حمله باران خودشان از بین رفته و اگر در حمله زمینی هم صدها اسیری که گرفته‌اند آسیب بخورند طومار سیاسی و امنیتی کابینه فعلی خصوصاً شخص نتانیاوو پیچیده خواهد شد چراکه این معنی را می دهد که آنها حاضر شده‌اند به بهانه حفظ امنیت اسرائیل اجازه از بین رفتن اسرا خود را بدهند. این کار باعث می شود فشارهای بین المللی روی آنها زیاد شود. تصویری که من از شرایط فعلی دارم این

است که احتمال تبادل اسرا بسیار کم است اما احتمالاً اسرائیلی ها پس از حمله زمینی به سمت تبادل بروند و این امتیاز فوق العاده مهمی است که در دست گروه های مقاومت قرار دارد از جمله اینکه تعدادی از این اسرا چند ملیتی‌اند و این امر علاوه بر فشار افکارعمومی داخلی فشار افکارعمومی بین المللی را نیز به آنها تحمیل می کند. این امر کمک کار گروه های مقاومت است. گروه های مقاومت باوجود تلفات بسیار زیادی که شامل بیش از ۲ هزار کشته و ۹ هزار زخمی می شود دست برتر را به دلیل حمله غافلگیرانه، افزایش درگیری های راکتی، افزایش درگیری ها در کرانه باختری و شلوغ نگه داشتن غلاف غزه دارند و اجازه درگیری زمینی را نداده‌اند. در جنگ رسانه‌ای هم گروه های مقاومت متغعلانه رفتار نکرده‌اند. اگرچه به جز برخی رسانه های منطقه‌ای سایرین به نفع رژیم صهیونیستی فعالیت می کنند اما گروه های مقاومت در زمینه رسانه‌ای نیز منفعل ظاهر شده‌اند.

اسرائیل با تهدید به حمله نظامی می خواهد مردم نواحی شمالی نوار غزه را به تخلیه این مناطق مجبور کند. در صورت تحقق این سناریو با حجم انبوهی از مهاجران مواجه خواهیم بود که ساماندهی آنها غیرممکن است. در صورت تحقق سناریوی تخلیه اجباری غزه چه مسیرهایی پیش روی مهاجران فلسطینی قرار دارد؟

درخصوص مهاجران صهیونیست نیز چند سناریو وجود دارد. تهدید اسرائیلی ها به حمله زمینی که با هدف تخلیه اجباری شمال غزه صورت می گیرد باعث می شود گزینه هایی همچون رفتن به مصر و دیگر کشورهای همسایه سرزمین های اشغالی پیش روی مردم غزه قرار گیرد. با وجود تلاش آمریکا برای پذیرش اجباری مهاجران توسط کشورهای عربی مصر تمایلی به ورود مهاجران جدید فلسطینی ندارد و اگر هم داشته باشد از آن به عنوان کارت سیاسی می خواهد استفاده کند. یکی از این سناریو ها این است که اسرائیلی ها درب های سرزمین های اشغالی روبه روی فلسطینی ها را باز بکنند و هرکسی که از نوار غزه خارج نشود را تروریست خطاب کرده و به این بهانه جانش را بگیرند. در هرصورت سناریوهای مطلوبی برای این حجم از آوارگان فلسطینی وجود ندارد و دعاگویم که هرچه زودتر این ماجرا تمام شود. در غیر این صورت هرچند حماس و گروه های مقاومت در منطقه ساختار تشکیلاتی شان باقی بماند و بتوانند خود را بازبایی کنند بازهم شاهد حجم گسترده‌ای از تلفات خواهیم بود که تاریخ هیچ وقت آن را فراموش نخواهد کرد.

این جنگ باعث افزایش مهاجرت ساکنان سرزمین های اشغالی نیز می شود و آنها را از این جهت با بحران روبه‌رو می کند. صهیونیست ها برای کنترل کردن این بحران نیاز دارند تا یک مانور قدرت انجام بدهند. حملات به غزه چقدر می تواند این نمایش قدرت را تکمیل کند؟ از طرفی حملات به غزه صهیونیست ها را با بحران مشروعیت در افکار عمومی جهان مواجه می کند. این مشروعیت چقدر برای صهیونیست ها اهمیت دارد، آیا حاضرند به خاطرش قید حملات بیشتر به غزه را بزنند؟

اتفاقی که در این جنگ افتاده و فهم اینکه چقدر این اتفاق مهم بوده است هنوز بر ما روشن نیست. ضربه‌ای که این بار گروه های مقاومت بر اسرائیل وارد کرده‌اند به قدری است که نهادهای اسرائیل را به این سمت هدایت کرده است که تصمیمی جدی برای پایان بخشیدن و یکسره کردن کار غزه بگیرند. به خاطر همین کار نیروهای مقاومت در غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه و بقیه جاها نتوانند رژیم را کنترل کنند ما شاهد از بین رفتن کامل گروه های مقاومت در غزه خواهیم بود، به همین دلیل مساله مشروعیت برای اسرائیلی ها یک مساله درجه چندم است و آنها حاضر هستند به هر قیمتی و با هر اقدامی ضربه‌ای اساسی به شاخه های نظامی حماس در نوار غزه وارد کنند و افکار عمومی داخلی و افکار عمومی بین المللی برای آنها از درجه اهمیت پایینی برخوردار است. آنها حاضرند برای اقدام شان افکار عمومی را کاملاً نادیده بگیرند.

فضای ضد صهیونیستی که در جهان به وجود آمده و مصداقش را در مجمع بی سابقه لندن دیدیم چه تاثیری می تواند بر سیاست های غربی ها بگذارد؟
ما شاهد یک فضای ضداسرائیلی در دنیا هستیم که در نوع خودش بی سابقه است اما قسمتی از بی سابقه بودن حمایت‌ها ناشی از بی سابقه بودن کشتار مردم فلسطین توسط صهیونیست ها است. اگرچه مردم جهان نسبت به این ظلمی که به فلسطینی ها می شود بی تفاوت نیستند اما این جنگ به حدی حیثیتی شده است که فشار افکار عمومی بین المللی نمی تواند بر مناسبات تل اوپو سنگینی کند و آنها علاوه بر بمباران های متعدد در یک



منطقه جغرافیایی کوچک، آب، برق، انرژی و سوخت را بر مردم بسته‌اند. این جنایت بی سابقه است و باعث برافروختگی مردم می شود اما اگر قرار است کاری صورت بگیرد باید شاهد یک تحول و یک اقدام شگفتی ساز در سیاست دولت های غربی باشیم تا اثری بر زندگی مردم غزه گذاشته شود. مثلاً کنگره آمریکا یا مجلس بریتانیا لایحه‌ای را تصویب کند و بر مناسبات داخلی غزه و سرزمین های اشغالی اثر بگذارد وگرنه صرفاً راهپیمایی های مردمی برای فشار آوردن به دولت اسرائیل کافی نیست.

آیا راهبرد دودولتی که بعضی از دولت ها پیشنهاد می دهند در شرایط فعلی قابل پیگیری است؟ آیا می شود انتظار داشت غربی ها تحت فشار افکار عمومی حداقل همین راهبرد را بپذیرند و برای کشوری به نام فلسطین در نظام بین الملل جایگاه قائل شوند؟

گفتمان دودولتی اتفاقی است که سال هاست از طرف اسرائیلی ها به خاک سپرده شده است. تجربه هم نشان داده به جز گفتمان مقاومت راهی برای مواجهه با اسرائیل نیست. کسانی هم که بر راه حل دودولتی به ویژه در کشورهای اسلامی تاکید می کنند این معنا مدنظرشان است که روابط شان با اسرائیل را عادی سازی کرده و گسترش دهند. از طرفی هم می خواهند که افکار عمومی جهان اسلام و جهان عرب جریحه دار شده و به این موضوع واکنش نشان ندهد.

کشورهای آمریکایی و اروپایی ها هم که بر راه حل دو دولتی تاکید می کنند منظورشان این است که هم نمی خواهند طرف اسرائیلی‌ها بایستند و هم نمی خواهند بر مناسبات شات با این رژیم ایجاد شود به همین دلیل راهکار دودولتی گفتمانی است که درنهایت به نفع رژیم صهیونیستی تمام می شود، از این رو راهکار عملیاتی نیست. راهکار دو دولتی یعنی تداوم شرایط موجود.

چرا جبهه مقاومت در نقاطی غیر از فلسطین به ویژه لبنان از آغاز تقابل حداکثری با رژیم صهیونیستی تاکنون اجتناب کرده است؟ چرا این امر آن طور که وزیر خارجه کشورمان نیز بر آن تاکید کرده است منوط شده است به تداوم جنایت صهیونیست ها؟

تمام تلاش حزب الله این است که اولاً وارد یک درگیری تمام عیار نشود. یک به دلیل وضع داخلی لبنان و شرایطی که آنجا دارند؛ چون این بار اگر حزب الله وارد عمل شود برای برخی از مردم داخل لبنان این معنا را می دهد که در مناسباتی حزب الله وارد شد که مناسبات مردم لبنان نبود و بخشی از جامعه شاید همراهی نکنند. دوم اینکه وضعیت اقتصادی لبنان اصلاً خوب نیست و چنین توانی وجود ندارد. قطعاً آسیب های جدی به معیشت مردم وارد می شود و از طرفی استراتژی هم بر همین مساله دلالت می کند که حزب الله تا می تواند از تمرکز رژیم بر غزه بکاهد یا به عبارت دیگر نگذارد که تمرکز بر غزه افزایش پیدا کند و نیروهای عملیاتی شان و همه لشکرهای حرفه‌ای به آن سمت بروند. در نتیجه تمام عوامل فضا را به این سمت می برد که حزب الله ورود همه جانبه و مستقیمی به عملیات طوفان الاقصی نداشته باشد. اما اگر حمله زمینی صهیونیست ها شکل بگیرد و به قدری زمینی و پرحجم باشد که چالش وجودی برای گروه های مقاومت به وجود بیاید این باعث می شود که حزب الله به صورت کنترل شده اما مستقیم، به صورت پراکنده و زمینی به ماجرا ورود کند.

ناگفته نماند که تا به امروز هم تلاش اسرائیلی ها این بود که دامنه عملیات ها آنجا گسترده نشود و ما به عبارتی دچار یک بالانس هستیم. یعنی زمانی که اسرائیلی ها درگیری را کم می کنند حزب الله افزایش می دهد تا توجهات به این سمت جلب شود و تا اسرائیلی ها روی مرزهای شمالی تمرکز می کنند، حزب الله آتش عملیات را کم می کند تا فقط هزینه و وقت برای نوار غزه بخرد.

به همین ترتیب ایران هم دارد نقش خودش را بازی می کند. یعنی جمهوری اسلامی ایران هم با ابتکار موثر آقای امیرعبداللهیان به یک تور منطقه‌ای می رود و آنجا از طریق گفت وگو با سایر کشورها تمرکز دیپلماتیک رژیم را به خودش مشغول می کند و با تشکیل ائتلاف موازنه ایجاد می کند، مثلاً اینکه اگر ورود زمینی شود ایران هم وارد می شود، دلالت بر این دارد که تلاش های همه گروه های مقاومت در راستای همان هدف واحد است. یعنی جمهوری اسلامی ایران هم حمایت لجستیک خودش را پیش از عملیات داشته است و هم پس از عملیات تحرکات دیپلماتیک و رایزنی های منطقه‌ای را در پیش گرفته است تا با میانجی گری بین گروه های موردا اعتماد تمام طرف های منازعه را به سمت پایان دادن جنگ سوق بدهد.